

پانویوم - شماره بیست و دو

۳۱ دسامبر ۲۰۲۳

Jeff Pippenger

2026-03-12

از ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ تاکنون، شیر قبیله یهودا به ترتیبی معین به مهرگشایی حقایق نبوی پرداخته است. این ترتیب را می‌توان به سادگی با مرور مقاله‌هایی که در وبگاه «فیوچر فور آمریکا» منتشر شده‌اند، احراز کرد. در ماه‌های اخیر، حقایقی که مهرشان گشوده شده، بسیار و ژرف‌اند! این ترتیب تصادفی نیست؛ هدفمند است. این توالی به روشنی فرایندی هدفمند و پیاپی را نشان می‌دهد که مسیح، به‌عنوان شیر قبیله یهودا، هنگام مهرگشایی پیام‌های نهایی امتحانی، نخست به کلیسا و سپس به جهان، آن را به انجام می‌رساند. در کتاب مکاشفه، شیر قبیله یهودا طوماری را که مختوم به هفت مهر است برمی‌گیرد و مهرها را یک‌به‌یک، به ترتیب، برمی‌دارد.

به ترتیب خویش منکشف خواهند شد

پس از آنکه این هفت رعد سخن گفتند، همان فرمانی که درباره کتابچه به دانیال داده شد، به یوحنا نیز می‌رسد: «آنچه را هفت رعد گفتند مهر کن.» این‌ها مربوط به رویدادهای آینده‌اند که به ترتیب خود آشکار خواهند شد. دانیال در پایان روزها در قرعه خود خواهد ایستاد. یوحنا کتابچه را گشوده می‌بیند. آنگاه نبوت‌های دانیال جایگاه شایسته خود را در پیام‌های فرشته اول، دوم و سوم که باید به جهان ابلاغ شوند، می‌یابند. برداشته شدن مهر از کتابچه، پیام مربوط به زمان بود.

کتاب‌های دانیال و مکاشفه یکی‌اند. یکی نبوت است، دیگری مکاشفه؛ یکی کتابی مهر شده، دیگری کتابی گشوده. یوحنا اسراری را که رعدها بر زبان آوردند شنید، اما به او فرمان داده شد که آن‌ها را ننویسد.

نوری ویژه که به یوحنا داده شد و در هفت رعد بیان گردید، ترسیمی از رویدادهایی بود که در چارچوب پیام‌های فرشته اول و دوم رخ خواهند داد. به صلاح نبود که مردم از این امور آگاه شوند، زیرا ایمانشان ناگزیر باید آزموده می‌شد. در تدبیر خدا، حقایقی بسیار شگفت‌انگیز و پیشرو اعلام می‌شد. قرار بود پیام‌های فرشته اول و دوم اعلام شوند، اما تا زمانی که این پیام‌ها کار ویژه خود را به انجام نرسانده بودند، نور بیشتری قرار نبود آشکار شود. این موضوع با فرشته‌ای که یک پا بر دریا نهاده بود و با سوگندی بسیار جدی اعلام می‌کرد که دیگر زمان نخواهد بود، به تصویر کشیده شده است. تفسیر کتاب مقدس آدونتیست‌های روز هفتم، جلد ۷، صفحه ۹۷۱.

مکاشفه نهایی «هفت رعد» پس از سال ۲۰۲۳ گشوده گردید، و آشکار ساخت که «هفت رعد» نمایانگر نخستین نومیدی آلفا تا واپسین نومیدی امگا است. به یوحنا اجازت داده نشد «هفت رعد» را تبیین کند، زیرا مکاشفه «هفت رعد» تحقق یگانه‌ای در تاریخ نبود، بلکه تصویری از یک «ترسیم توالی رویدادها» بود که در تاریخ میلریتی رخ داد و در ایام آخر بار دیگر رخ خواهد داد. تحقق کامل آن نشان داده شد تا تاریخ از ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ تا قانون قریب‌الوقوع یکشنبه را تبیین کند. شیر آن نور را گشود تا بر تاریخ برپایی هیكل یکصد و چهل و چهار هزار بتابد.

در تاریخ جنبش میلری، «رعدهای هفتگانه» نمایانگر دوره ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴ بود؛ زمانی که پیروان میلر «شگفت‌انگیزترین و پیشرفته‌ترین حقایق» را عرضه کردند. در جریان اجرای مأموریتی که به آنان سپرده شده بود، پیروان میلر مورد آزمون قرار گرفتند. آنان پیامی را که اعلام می‌کردند یا تاریخی را که در حال تحقق بخشیدن به آن بودند، به طور کامل در نمی‌یافتند. حقایقی که آنان اعلام می‌کردند

همان چیزی بود که خواهر وایت آن‌ها را «حقایق پیشرفته» می‌نامد؛ حقایقی که قرار نبود تا پس از آن‌که پیام‌های فرشته اول و فرشته دوم کار خویش را به انجام رسانده بودند، فهمیده شوند.

هنگامی که «هفت رعد» به تحقق کامل خود برسند، آن «وقایع آینده» به وسیله پیام‌های سه فرشته مکاشفه چهارده، در ترکیب با کتاب دانیال، بازنمایی می‌شوند. کار یکصد و چهل و چهار هزار، که به وسیله «وقایع آینده» ی «هفت رعد» بازنمایی می‌شود، عبارت است از ترکیب کتاب دانیال با سه فرشته.

خداوند در شرف مجازات جهان به سبب شرارتش است. او در شرف مجازات نهادهای دینی است، به سبب رد نور و حقیقتی که به آنان داده شده است. پیام بزرگ، که پیام‌های فرشته اول، دوم و سوم را در بر می‌گیرد، باید به جهان رسانده شود. این باید بار کار ما باشد. تفسیر کتاب مقدس ادونتیس‌های روز هفتم، جلد ۷، صفحه ۹۵۰.

از ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳، شیر قبیله یهودا در «ترتیبی» معین به مهرگشایی حقایق نبوی مشغول بوده است.

تاریخ جنبش میلری

اکنون کسانی زنده‌اند که در مطالعه نبوت‌های دانیال و یوحنا، چون از عرصه‌ای که در آن نبوت‌های خاص به ترتیب خود در حال تحقق بود عبور کردند، از خدا نوری عظیم دریافت نمودند. آنان پیام زمان را به مردم رسانیدند. حقیقت چون آفتاب نیمروز به روشنی درخشید. رویدادهای تاریخی که تحقق مستقیم نبوت را نشان می‌دادند، پیش روی مردم قرار داده شدند، و مشهود گردید که آن نبوت تصویری تمثیلی از رویدادهایی است که به پایان تاریخ این زمین منتهی می‌شوند. پیام‌های برگزیده، کتاب ۲، صفحات ۱۰۱ و ۱۰۲.

«ترتیبی» که مسیح در مهرگشایی پیام «فریاد نیمه‌شب» به کار بسته است، «رویدادهای تاریخی» را نمایان می‌کند که «تحقق مستقیم نبوت» را نشان می‌دهند؛ تحقق‌هایی که به پایان مهلت فیض می‌انجامد. تحقق مستقیم نبوت در ایام واپسین مکاشفه نبوتی مینتی بر زمان نیست، اما پلمونی همچنان از اعداد بهره می‌گیرد تا تحقق‌های مستقیم نبوت را مشخص سازد. زمان دیگر نخواهد بود، و هرچند پیروان میلر «پیام زمان» را به نسل خویش رساندند، پیام فرشته سوم از «زمان» نیرومندتر است.

خداوند به من نشان داده است که پیام فرشته سوم باید منتشر شود و به فرزندان پراکنده خداوند اعلام گردد، و نباید آن را به زمان گره زد؛ زیرا زمان دیگر هرگز آزمونی نخواهد بود. دیدم که برخی از موعظه درباره زمان دچار هیجان کاذب می‌شوند؛ و اینکه پیام فرشته سوم از مسئله زمان نیرومندتر است. دیدم که این پیام می‌تواند بر بنیان خود بایستد و برای تقویت خود به زمان نیاز ندارد، و با قدرتی عظیم پیش خواهد رفت و کار خود را انجام خواهد داد، و در عدالت کوتاه و به انجام خواهد رسید. تجربه‌ها و دیدگاه‌ها، ص ۴۸.

«ترتیبی» پی‌درپی مهرگشایی حقایق نبوی، تاریخی پیش‌رونده را مشخص می‌کند و نیز تکون پیام را نشان می‌دهد. «ترتیبی» تاریخی بازنموده شده، و نیز مراحل چگونگی مهرگشایی پیام از ۳۱ دسامبر تاکنون به دست شیر قبیله یهودا، فهم هر دو برای نجات ضروری است. در ژوئیه ۲۰۲۳، صدایی در بیابان آغاز کرد تا راه را برای مهرگشایی ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ آماده سازد. سپس شیر قبیله یهودا باب نخست کتاب مکاشفه را مهرگشایی کرد.

هیچ چیز دیگری

«پیام‌های خطیری که در کتاب مکاشفه به ترتیب خود داده شده‌اند، باید جایگاه نخست را در اذهان قوم خدا به خود اختصاص دهند. نباید اجازه داده شود که هیچ امر دیگری تمام توجه ما را به خود مشغول سازد.» شهادت، جلد 8، 301، 302.

مقالاتی که در سال ۲۰۲۳ آغاز شده‌اند، قرار است «در اذهان قوم خدا مقام نخست را اشغال کنند».

هرآنچه خدا در تاریخ نبوت مقرر کرده بود که در گذشته تحقق یابد، تحقق یافته است؛ و هرآنچه هنوز باید به ترتیب خود بیاید، خواهد آمد. دانیال، پیامبر خدا، در جای خود ایستاده است. یوحنا در جای خود ایستاده است. در مکاشفه، شیر قبیله یهودا کتاب دانیال را برای مطالعه‌کنندگان نبوت گشوده است و بدین‌سان دانیال در جای خود ایستاده است. او شهادت خود را می‌دهد؛ همان که خداوند در رؤیا درباره رویدادهای بزرگ و خطیری که ما، در حالی که بر همین آستانه تحقق آن‌ها ایستاده‌ایم، باید بدانیم، بر او آشکار کرد.

کلام خدا در تاریخ و نبوت، نبرد دیرپای میان حق و باطل را به تصویر می‌کشد. آن نبرد هنوز در جریان است. آنچه بوده است، باز تکرار خواهد شد. پیام‌های برگزیده، جلد ۲، ۱۰۹.

سی

پیام دانیال فصل یازدهم، آیه چهارم، در سال ۱۹۹۶ مهرش گشوده شد و رسمیت یافت. سی سال بعد، تاریخ پنهان همان آیه اکنون در پیوند با رسمی‌سازی پیام فریاد نیمه‌شب مهرش گشوده می‌شود؛ پیامی که از پیشگویی بیرونی تصحیح‌شده‌ای درباره اسلام، در پیوند با پیام درونی تصحیح‌شده فریاد نیمه‌شب، تشکیل شده است. پیام فریاد نیمه‌شب پیش از قانون یکشنبه آیه شانزدهم اعلام می‌شود، زیرا در قانون یکشنبه است که در مثل بسته می‌شود.

پطرس

این امر پطرس را در تاریخ مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار قرار می‌دهد. پطرس پیامی داشت که آن را در بالاخانه اعلان کرد، و پیامی دیگر که آن را در هیکل اعلان نمود. پیام بالاخانه، ندای نیمه‌شب مثل است و پیام هیکل، فریاد بلند فرشته سوم. برای آن که پطرس بتواند پیام ندای نیمه‌شب را در بالاخانه اعلان کند، پیام او نخست باید تصحیح و تدوین می‌گردید. این تصحیح و تدوین از رهگذر به هم آوردن خطوط نبوت به انجام می‌رسد که شیر سبط یهودا از ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ تاکنون در حال شناسایی آن‌ها بوده است.

اکنون کار رسمی‌سازی پیام فریاد نیمه‌شب است. رسمی‌سازی این پیام، به گونه‌ای نمونه‌وار، توسط ویلیام میلر در سال ۱۸۳۱ و نیز توسط مجله زمان انتها در سال ۱۹۹۶، به نمایش درآمده است. اصلاح پیامی که نخستین نومیدی را در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ پدید آورد، به گونه‌ای نمونه‌وار توسط یوشیا لیچ و نیز ساموئل اسنو به تصویر کشیده شده است. کاری که هر یک انجام دادند، 'سبب' اثری شد که در پی ۱۱ اوت ۱۸۴۰ و نیز در پی جنبش ماه هفتم پدید آمد. در سال ۱۸۴۰، این پیام به هر ایستگاه میسیونری در جهان رسانده شد، و در سال ۱۸۴۴، پیام فریاد نیمه‌شب چون خیزابی مدی، نوار ساحلی شرقی ایالات متحده را درنوردید. کار آدمیان 'سبب' اثری شد که همان افاضه روح‌القدس بود. پیام ۱۸۴۰ به جهان رفت، که نمادش دریاست، و پیام ۱۸۴۴ به ایالات متحده رفت، که نمادش زمین است. نماد سال ۱۸۴۰، مسیح ایستاده بر زمین و دریا در مکاشفه باب دهم بود، و همان باب تاریخ از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ را مشخص می‌سازد و مسیح را ایستاده بر زمین و دریا به تصویر می‌کشد.

در هر دو مورد ۱۸۴۰ و ۱۸۴۴، تعدیلی که بر پیشگویی اعمال شد، تعدیلی رو به جلو در زمان بود تا رسیدن به موعد دقیق. یکی پیشگویی‌ای درباره اسلام بود و دیگری پیشگویی‌ای درباره مثل ده باکره.

یکی بیرونی بود و دیگری درونی. سال ۱۸۴۴ همچنین مشتمل بر خطایی ناشی از سوءفهم قدسگاه بود. آیا قدسگاه زمین بود، یا قدسگاه آسمانی؟ این سوءفهم از صرف تعریف قدسگاه نیز عمیق‌تر بود، زیرا همچنین نمایانگر آزمونی بود که آیا نفسی مسیح را از مکان مقدس به قدس‌الاقداص پیروی خواهد کرد یا نه.

من دیدم که پدر از تخت برخاست و در اراهه‌ای آتشین به درون پرده، به قدس‌الاقداص، رفت و نشست. سپس عیسی از تخت برخاست، و بیشتر آنان که خمیده بودند با او برخاستند. من ندیدم که پس از برخاستن او، حتی یک شعاع نور از عیسی به سوی جماعت غافل بگذرد، و آنان در ظلمت مطلق واگذاشته شدند. کسانی که هنگامی که عیسی برخاست برخاستند، چون او تخت را ترک کرد و ایشان را اندکی بیرون برد، چشمان خود را بر او دوخته نگاه داشتند. آنگاه بازوی راست خود را برافراشت، و آوای دل‌انگیز او را شنیدیم که می‌گفت: «اینجا منتظر بمانید؛ نزد پدر خود می‌روم تا ملکوت را دریافت کنم؛ جامه‌های خویش را بی‌لکه نگاه دارید، و اندکی دیگر از عروسی بازخواهم گشت و شما را نزد خود خواهم پذیرفت.» آنگاه اراهه‌ای ابری، با چرخ‌هایی چون آتش فروزان، که فرشتگان آن را دربر گرفته بودند، به جایی که عیسی بود آمد. او قدم در اراهه نهاد و به قدس‌الاقداص، آنجا که پدر نشسته بود، برده شد. آنجا عیسی را دیدم، کاهن اعظم بزرگ، که در برابر پدر ایستاده بود. بر حاشیه جامه‌اش زنگوله‌ای و اناری، زنگوله‌ای و اناری بود. آنان که با عیسی برخاسته بودند، ایمان خود را به حضور او در قدس‌الاقداص می‌فرستادند و دعا می‌کردند: «ای پدر من، روح خویش را به ما عطا فرما.» آنگاه عیسی بر ایشان روح‌القدس را می‌دمید. در آن دم نور و قدرت، و محبت و شادی و آرامش بسیار بود.

من روی خود را برگرداندم تا به جماعتی بنگرم که هنوز در برابر تخت سر به سجده داشتند؛ آنان نمی‌دانستند که عیسی آن را ترک کرده است. چنین می‌نمود که شیطان در کنار تخت است و می‌کوشد کار خدا را ادامه دهد. دیدم که به سوی تخت نگر بستند و دعا کردند: «ای پدر، روح خود را به ما عطا فرما.» آنگاه شیطان بر آنان نفسی با تأثیری نامقدس می‌دمید؛ در آن روشنایی و قدرت بسیار بود، اما محبت شیرین، شادی و سلامتی نبود. مقصود شیطان این بود که ایشان را در فریب نگاه دارد و فرزندان خدا را بازپس کشیده و بفریبد. نوشته‌های نخستین، ۵۵، ۵۶.

مقدس‌گاه به‌عنوان «کلید» شناسایی شد که همه سوءفهم‌هایی را که از سوءفهم خود مقدس‌گاه پدید آمده بود، تبیین می‌کرد. همان «کلید» بود که سرخوردگی را تبیین می‌کرد. در ایام آخر، «کلید» خود سرخوردگی است که سوءفهم هیکل را تبیین می‌کند.

از ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به بعد، «دیگر زمان نخواهد بود»، و خطای نومیدی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ اکنون باید تصحیح گردد، اما نه از حیث زمان، زیرا دیگر زمان نخواهد بود.

و آن فرشته‌ای که دیدم بر دریا و بر زمین ایستاده بود، دست خود را به سوی آسمان بالا برد و به او که تا ابدالآباد زنده است، که آسمان و آنچه در آن است و زمین و آنچه در آن است و دریا و آنچه در آن است را آفرید، سوگند یاد کرد که دیگر زمانی نخواهد بود؛ اما در روزهایی که صدای فرشته هفتم بلند شود، آنگاه که آغاز به نواختن کند، سر خدا، چنان‌که به بندگان خود، یعنی پیامبران، اعلام کرده است، به انجام خواهد رسید. مکاشفه ۵:۱۰-۱۱.

مکان آن پیشگویی که باید تصحیح شود، نشویل تنسی است، و این مکان را نمی‌توان تغییر داد، زیرا آن را نه فیوچر فور آمریکا، بلکه الن وایت معین کرده است، و روح نبوت هرگز خطا نمی‌کند.

هنگامی که در نشویل بودم، با مردم سخن می‌گفتم، و در شب هنگام، گوی عظیمی از آتش مستقیماً از آسمان آمد و در نشویل قرار گرفت. شعله‌هایی چون تیر از آن گوی بیرون می‌جهید؛ خانه‌ها طعمه آتش می‌گشتند؛ خانه‌ها متزلزل می‌شدند و فرو می‌ریختند. برخی از مردم ما در آنجا

ایستاده بودند. گفتند: «دقیقاً همان است که انتظار داشتیم؛ ما این را انتظار داشتیم.» دیگران از فرط رنج دست‌های خود را به هم می‌فشرده و به درگاه خدا برای رحمت استغاثه می‌کردند. «شما می‌دانستید،» می‌گفتند، «می‌دانستید که این در راه است و هرگز سخنی برای هشدار به ما نگفتید!» چنان می‌نمود که نزدیک بود آنان را از هم بدرند، از این اندیشه که هرگز چیزی به ایشان نگفته یا هیچ هشدار به ایشان نداده بودند. دست‌نوشته ۱۸۸، ۱۹۰۵.

وجه درونی گوی‌های آتشین بر نشویل این است که حاکی از آن است که ادونتیسیم روز هفتم لاودکی از پیام هشدار نشویل آگاه بود، لیکن سکوت اختیار کرد. این همان نقطه در تاریخ نبوی است که در آن «شرمساری» یا «شادی» پیام فریاد نیمه‌شب آشکار می‌گردد. در این نقطه است که آنان که بناست به منزله راپتی برپا شوند، آغاز می‌کنند به برافراشته شدن، و از کسانی متمایز می‌گردند که آنگاه از سوی جهانیانی که از این که ادونتیسیم روز هفتم لاودکی هیچ هشدار نشویلی نداد، به ستوه آمده و خشمگین‌اند، مورد نکوهش و شرمساری قرار می‌گیرند. همین تمایز نبوی در کوه کرمل میان ایلیا و پیامبران بعل نمایانده شد، و نیز در تاریخ «فرشته دوم» جنبش میلری، آنگاه که پروتستان‌ها به پروتستان‌های مرتد دگرگون شدند و نقش خویش را همچون نبی کاذب آغاز کردند و به دختران روم بدل گشتند. در سال ۱۹۸۹، شاخ سیاسی از رهگذر ریگان دقیقاً همان کار را کرد؛ با این تفاوت که ریگان به دختران روم بدل نشد، بلکه به آخاب و کلویس یکم، دلدادگان روم، تبدیل گشت.

«صحنه‌ای بر من عرضه شد. شب پیش از سبت بود. همان هنگام بود که آن صحنه بر من عرضه شد. از پنجره به بیرون نگرستم، و گوی عظیم آتشین بود که از آسمان آمده بود، و در جایی فرود آمد که در آن ساختمان‌های ستون‌دار را قالب‌ریزی می‌کردند؛ به‌ویژه ستون‌ها به من نمایانده شدند. و چنین می‌نمود که آن گوی یگراست به سوی ساختمان آمد و آن را درهم کوبید، و دیدند که انشعاب می‌یافت، انشعاب می‌یافت، بزرگ‌تر می‌شد، و آغاز کردند به گریه و سوگواری و سوگواری، و دست‌ها را به هم می‌فشرده؛ و به گمانم برخی از مردم ما همان‌جا ایستاده بودند و می‌گفتند: "خب، دقیقاً همان است که انتظارش را داشته‌ایم؛ دقیقاً همان است که درباره‌اش سخن می‌گفته‌ایم؛ دقیقاً همان است که درباره‌اش سخن می‌گفته‌ایم." "شما از آن آگاه بودید؟" مردم گفتند. "می‌دانستید و هرگز آن را به ما نگفتید؟" به گمانم چنان عذابی در چهره‌شان بود، چنان عذابی در هیئتشان.» دست‌نوشته ۱۵۲؛ ۱۹۰۴.

سرخوردگی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ «کلید» شناسایی هیكلی است که بناست به‌عنوان علمی برافراشته شود. تمایز دو طبقه از ادونتیسیت‌ها درون‌مایه‌ای عمده در نبوت کتاب مقدس است. ارمیا از پیوستن به «مجمع استهزاکنندگان» امتناع ورزید، و کلیساهای سمیرنا و فیلادلفیا هر دو در تقابل با «کنیسه شیطان» قرار داده شدند؛ کسانی که مدعی بودند یهودی‌اند، اما نبودند. تمایز میان دو طبقه از ادونتیسیت‌های مدعی در روش‌شناسی‌ای که برای مطالعه کتاب مقدس به کار می‌گیرند، نمود می‌یابد. این همان تمایز میان «تعلیم حقیقی» و «آموزش عالی، به‌اصطلاح» است، به تعبیر خواهر وایت.

نشویل به «آتن جنوب» شهرت دارد، و نامدارترین بنایی که در نشویل نمایانگر یونان است، پارتنون واقع در پارک سنتنیال است که در سال ۱۸۹۷ به‌صورت نسخه‌ای در مقیاس کامل از پارتنون یونان باستان بنا شد. این بنا به‌منظور بزرگداشت صدمین سال تبدیل‌شدن تنسی به ایالت در سال ۱۷۹۶ ساخته شد و قرار بود پس از پایان جشن ویران گردد. اما به‌جای آن، زمین مزبور در سال ۱۹۰۳ به پارک تبدیل شد و بازسازی دائمی پارتنون از ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۱ انجام گرفت.

نام «پارتنون» از واژه یونانی parthénos به‌معنای «باکره» یا «دوشیزه» گرفته شده است؛ و این نام به آتنا در وجه او به‌منزله الهه‌ای دست‌نخورده، خردمند و جنگاور حکمت، راهبر، هنرها، صناعات و تمدن اشاره دارد. این بنا که میان سال‌های ۴۴۷ تا ۴۳۲ پیش از میلاد در آکروپولیس آتن ساخته شد، در خود تندیس عظیم کریسلفانتین (زر و عاج) آتنا، اثر پیکرتراش فیدیاس، را جای داده بود و اساساً در

حکم «خانه» یا سکونتگاه الهی او به شمار می‌آمد که باور بر آن بود او در آن حضور دارد.

تأکید نظام آموزشی غرب بر دانش گسترده، پرسشگری انتقادی، آمادگی مدنی و چارچوب هنرهای آزاد، به نحو بنیادین در فلسفه و عمل یونان باستان ریشه دارد. اگر آکادمی افلاطون، لیسیوم ارسطو یا پایدای آتنی در میان نبود، آموزش نوینی که امروز می‌شناسیم چهره‌ای به کلی دیگر می‌داشت.

در سال ۱۹۰۴، مدرسه مدیسون در فاصله نه مایلی خارج از نشویل تأسیس شد. الن وایت عضو هیئت‌مدیره مؤسس مدرسه مدیسون بود (که به طور رسمی «مؤسسه کشاورزی و تربیت معلم نشویل» نام داشت و بعداً به «کالج مدیسون» شناخته شد). او از بدو تأسیس آن در ۱۹۰۴، به عنوان عضو مؤسس هیئت‌مدیره خدمت کرد. او تا حدود سال ۱۹۱۴ در هیئت‌مدیره باقی ماند (یک سال پیش از درگذشتش در ۱۹۱۵).

این تنها هیئت امنای یک کالج یا مؤسسه بود که او در سراسر عمر پذیرفت به آن بپیوندد یا در آن خدمت کند. او عمداً پذیرش چنین مناصب رسمی را در دیگر سازمان‌های ادونتئیست محدود می‌کرد، اما برای مدیسن به سبب همسویی آن با رهنمودهای آموزشی‌اش استثنا قائل شد (آموزشی خوداتکا، مزرعه محور و مبلغانه که بر کتاب مقدس، کاریدی و آماده‌سازی عملی برای خدمت در جنوب و فراتر از آن تأکید می‌کرد). پیام‌های نشویل از سوی خواهر وایت در سال‌های ۱۹۰۴ و ۱۹۰۵ رسید، در همان دوره‌ای که مدرسه مدیسن آغاز می‌شد و نمایشگاه پارتنون به سازه‌ای دائمی در پارک دائمی تبدیل می‌گردید. نماد تعلیم و تربیت یونانی و تعلیم و تربیت آسمانی هر دو آغازهای خود را در همان مدت کوتاه نشان می‌دادند؛ همان مدتی که مکاشفات گوی‌های آتشین نشویل عطا شد.

شب گذشته صحنه‌ای بر من عرضه شد. شاید هرگز خود را مجاز به آشکار ساختن همه آن ندانم، اما اندکی از آن را آشکار خواهم کرد.

چنان می‌نمود که گوی عظیمی از آتش بر جهان فرود آمد و خانه‌های بزرگ را درهم کوبید. از هر سو فریاد برمی‌خاست: «خداوند آمده است! خداوند آمده است!» بسیاری برای دیدار او مهیا نبودند، اما اندکی می‌گفتند: «ستایش بر خداوند باد!»

«چرا خداوند را می‌ستایید؟» پرسیدند آنان که هلاکت ناگهانی بر ایشان می‌آمد.

''زیرا اکنون آنچه را که در جست‌وجویش بوده‌ایم می‌بینیم.''

«اگر باور داشتید که این امور در راه است، چرا به ما نگفتید؟» پاسخ هولناک چنین بود. «ما از این امور آگاه نبودیم. چرا ما را در نادانی رها کردید؟ بارها و بارها ما را دیده‌اید؛ چرا با ما آشنا نشدید و ما را از داوری آینده آگاه نکردید، و اینکه باید خدا را خدمت کنیم تا مبادا هلاک شویم؟ اکنون گم‌شده‌ایم!» دست‌نوشته ۱۰۲، ۱۹۰۴.

زمینه پیام‌های نشویل، از حیث جغرافیایی، در بستر روحانی تعلیم و تربیت راستین یا باطل قرار داده شده بود. تعلیمی که جان را برای اهل یکی از این دو بودن—آسمان یا زمین—مهیا می‌سازد. در رؤیاهای خواهر وایت درباره نشویل هیچ اشاره‌ای به اسلام وجود ندارد؛ پس چه توجیهی برای پیوند دادن اسلام به رؤیای گوی‌های آتشین بر نشویل می‌توان آورد؟ اصلاح پیام نشویل سال ۲۰۲۰ چگونه با کار یوشیا لیچ و ساموئل اسنو همسو می‌شود؟ اصلاحات ایشان زمانی صورت گرفت که دریافتند همان شواهدی که به پیش‌بینی نخست انجامیده بود، همان شواهدی است که پیش‌بینی تصحیح‌شده را تثبیت می‌کند.

گواهی اسلام، بسیار پیش از آن که با پیام هشدارآمیز نشویل پیوند یابد، به ثبوت رسیده بود. پیام اسلام مستقیماً به پیام فرشته سوم متصل است. این حقیقت به چندین شاهد کتاب مقدسی مستند است.

هشدار فرشته سوم، نمایانگر هشدار درباره نشان اقتدار پادشاه شمال است، و هشدار اسلام به وسیله هشدار بنی مشرق بازنمایی می‌شود.

اما خبرهایی از مشرق و از شمال او را مضطرب خواهد ساخت؛ پس با خشم عظیم بیرون خواهد رفت تا نابود کند و بسیاری را به کلی از میان بردارد. دانیال ۱۱:۴۴.

فرشته سوم در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، هنگامی که شیپور هفتم آغاز به نواختن کرد، قدم به عرصه تاریخ نهاد. شیپور هفتم همچنین وای سوم اسلام است. ترمذ سال ۱۸۶۳، طنین شیپور هفتم را تا ۱۱ سپتامبر به سکوت کشاند؛ زمانی که فرشته سوم در باب هجدهم مکاشفه فرود آمد و بناهای عظیم نیویورک با لمسی از قدرت خدا فرو افکنده شدند.

یازدهم سپتامبر آلفا، یعنی آغاز زمان مهر شدن بود، که در امگا، یعنی پایان مهر شدن آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر، به هنگام قانون قریب‌الوقوع یکشنبه، خاتمه می‌یابد.

یازدهم سپتامبر آلفای دوران آزمون تمثال وحش در ایالات متحده آمریکا است، که در امگای دوران آزمون تمثال وحش در ایالات متحده آمریکا به پایان می‌رسد، که آن زمانی رخ می‌دهد که نشان وحش در ایالات متحده آمریکا به اجرا گذاشته می‌شود.

۹/۱۱ آلفا یا آغاز داوری زندگان بر وحش زمین، از جمله شاخ‌های جمهوری خواه و پروتستان آن، است که در قانون یکشنبه قریب‌الوقوع به پایان می‌رسد.

۹/۱۱ آلفای «روز تدارک خداوند» است که در آزمون ناظر به روز سبت خداوند خاتمه می‌یابد.

۹/۱۱ آلفای بنای هیکل است که با سنگ بنا نمایانده می‌شود؛ و این هنگامی خاتمه می‌یابد که سنگ رأس امگا بر فراز هیکل نهاده شود.

۱۱ سپتامبر آلفای وای سوم در ایالات متحده آمریکا است؛ و آن وای سوم در زلزله باب یازدهم کتاب مکاشفه پایان می‌یابد، زلزله‌ای که همان قانون یکشنبه‌ای است که به زودی فرا می‌رسد. در آن زلزله، وای سوم به سرعت فرا می‌رسد. تاریخ گوی‌های آتشین نشویل، پیش از بسته شدن مهلت فیض در هنگام قانون یکشنبه است، با وجود اعلان کسانی که ادونتیست‌های لائودیکیه‌ای را محکوم می‌کنند و مدعی‌اند: «اکنون ما هلاک شدیم.»

کتاب یوئیل و تحقق آن در پنتیکاست، مناقشه پیام فریاد نیمه شب را طرح می‌کند، آنگاه که طبقه‌ای که نمی‌تواند افزایش معرفت را دریابد، آنان را که می‌فهمند، به مستی متهم می‌سازد. تقابل مستیان افرایم و حکیمان، موضوعی است که بارها در کلام نبوی خدا مطرح شده است. یکی از عناصر حقیقت این است که پیام، پیامی دو مرحله‌ای است، چنان‌که پطرس در بالاخانه و سپس در هیکل آن را نشان داد. این امر به داوری‌ای نمایانده می‌شود که از خانه خدا آغاز می‌گردد و آنگاه بر آنان که بیرون از خانه خدایند واقع می‌شود. روند داوری همچنین به وسیله دو صدا در مکاشفه هجده نمایانده شده است، که در آن، نخستین صدا از ۹/۱۱ تا قانون یکشنبه است، و سپس صدای دوم آیه چهارم، قانون یکشنبه را مشخص می‌سازد. تمایز میان پیام نبوی راستین و کاذب باران پسین نیز به وسیله ایلیا مصور گردیده است؛ همان‌که ملاکی او را به عنوان کسی که درست پیش از ختم مهلت باز می‌گردد، معرفی می‌کند.

در کوه کرمل، نمادهای دانا و نادان، «ایلیای دانا» و انبیای نادان بعل بودند. ایلیا پطرس است و انبیای بعل همان مست‌خواران افرایم‌اند. چون مست‌خواران نادان، از رهگذر فروبارش آتش، به منزله انبیای کذاب بعل آشکار گردند، آنگاه قوم سرانجام پاسخ می‌دهند که: «خداوند، او خداست.» ادونتیست‌های روز هفتم لائودیکایی بدین سان در هنگام تحقق پیشگویی نشویل آشکار می‌شوند. آنان که بیرون از ادونتیسم‌اند و آنگاه به بی‌وفایی نادانان بیدار می‌شوند، ملزم می‌گردند، اما دوره مهلت ایشان هنوز

به پایان نرسیده است. تصویر تجلی دوشیزگان دانا و نادان، چنان که در پیام هشدار نشویل به نمایش درآمده است، نشانه راهی است در تحقق نهایی کامل مثل ده باکره.

نومیدی هجدهم ژوئیه ۲۰۲۰، هم پیامی را که باید تصحیح شود مشخص می‌کند و هم نمود کسانی را در درون ادونتیسیم که روغن دارند و کسانی را که ندارند. آنگاه کسانی که فاقد روغن پیام هشداردهنده نسبت به نشویل بودند، در تقابل با کسانی که روغن را دارا هستند قرار داده می‌شوند. از دو طبقه‌ای که یا روغن پیام را دارند یا ندارند، یک طبقه نومیدی‌ای را تجربه کرده است که نخستین نومیدی تاریخ میلری‌ها نمایانگر آن بود؛ طبقه دیگر آن تجربه را ندارد. بدون نومیدی تمثیل شده به وسیله میلری‌ها، هیچ تصحیحی برای هیچ پیشگویی شکست‌خورده‌ای صورت نمی‌گیرد. این حقیقت که پیشگویی نشویل سال ۲۰۲۰ اسلام را شناسایی می‌کرد، با عنصری از یک پیام شکست‌خورده که نیازمند تصحیح است، همخوانی دارد.

یکی از شواهد این امر را می‌توان در این واقعیت یافت که تاریخی که در آن گوی‌های آتشین نشویل فرود می‌آیند، نه تنها با تاریخ نخستین نومیدی پیروان میلر و اصلاح پیام پس از آن همخوان است، بلکه از آن رو نیز هست که در چارچوب تاریخی رخ می‌دهد که با آمدن فرشته سوم در یازدهم سپتامبر آغاز می‌شود؛ رخدادی که نشانگر آمدن اسلام وای سوم است، و اسلام به گونه‌ای نبوی بار دیگر در زمین لرزه قانون یکشنبه در مکاشفه باب یازدهم ظاهر می‌گردد. حفظ اسلام در پیام، بی‌آنکه خواهر وایت ارجاع مستقیمی به اسلام و هشدار نشویل داده باشد، بر مضمون آن تاریخ، که همان اسلام است، استوار است.

در مقاله صد و پنجاه و سوم سلسله‌مقالاتی با عنوان «کتاب دانیال» مشخص کردیم که مطابق با شهادت بلعام و الاغ، اسلام - که الاغ نماینده آن است - سه تعامل اصلی با ایالات متحده در فاصله تاریخی میان ۱۱ سپتامبر تا قانون یکشنبه خواهد داشت. ۱۱ سپتامبر را نخستین، و سپس ۷ اکتبر ۲۰۲۲ را دومین تعیین کردیم. خاطرنشان ساختیم که نخستین حمله بر سرزمین جلال روحانی بود و دومین حمله بر سرزمین جلال عینی اسرائیل، و اینکه سومین حمله، حمله در زلزله قانون یکشنبه خواهد بود. اشاره کردیم که تاریخ بلعام در این سطح نبوی امضای حقیقت را بر خود داشت، زیرا نخستین و آخرین حمله بر سرزمین جلال روحانی بود و حمله میانی بر سرزمین جلال عینی، که نماد عصیان است. اکنون می‌بینیم که ضربه چهارمی که آغاز پیام فریاد نیمه‌شب را نشان می‌دهد، در سرزمین جلال روحانی رخ خواهد داد، آنگاه که گوی‌های آتشین نشویل تحقق یابند. این بدین معناست که ضربه دوم بلعام و الاغش دوگانه است: نخستین این دو بر سرزمین جلال عینی و دومی بر سرزمین جلال روحانی فرود می‌آید.

آن مقاله حقیقتی ناقص را عرضه کرده بود که اکنون شیر قبیله یهودا آن را به منزله شاهدی دیگر بر پیوند نبوتی اسلام با گوی‌های آتشین نشویل آشکار ساخته است. دلیل دیگری برای تأیید ارتباط اسلام با آن گوی‌های آتشین در خطوط اصلاح تاریخ مقدس یافت می‌شود. هر جنبش اصلاحی، موضوع خاص خود را دارد که سراسر آن جنبش را فرا می‌گیرد. در جنبش اصلاحی موسی، سخن از انعقاد عهد با قومی برگزیده بود. در خط اصلاح مسیح، موضوع مسیحا بود. در خط اصلاح داوود، موضوع ده فرمان و قدس‌گاه بود. نزد پیروان میلر، موضوع زمان نبوتی بود، زیرا آنان حامل "پیام زمان" بودند. با ورود فرشته سوم در ۱۱ سپتامبر، موضوع خط اصلاح یکصد و چهل و چهار هزار به‌عنوان اسلام وای سوم، فرزندان مشرق، خر نبوت کتاب مقدس، اسب‌های جنگی مکاشفه ۹، باد شرقی، ملخ‌ها و به‌خشم‌آوردن ملل شناسایی شد.

زلزله باب یازدهم مکاشفه، نشانگر اسلام وای سوم است، و در عین حال نمایانگر خاتمه پیام فریاد نیمه‌شب نیز می‌باشد. فریاد نیمه‌شب به‌طور نمونه‌وار در ورود ظفرمندان مسیح به اورشلیم مجسم

شده بود، که با گشودن بندِ الاغ آغاز شد. آغازِ فریادِ نیمه‌شب در تاریخ میلرایتی، رسیدن ساموئل اسنو، سوار بر اسب، به گردهمایی اردوگاهی اکستر بود. آغازِ دورهٔ فریادِ نیمه‌شب با نمادهای اسلام مشخص می‌شود. برای تأیید این‌که پیام تصحیح‌شدهٔ ۱۸ ژوئیهٔ ۲۰۲۰، اسلام را به‌عنوان بخشی از پیام هشدار در بر می‌گیرد، شواهد فراوانی وجود دارد. تاریخی تعیین نشده است، اما گوی‌های آتشین نشویل مناقشهٔ «شرابِ نو» را در ایام آخر مشخص می‌سازند؛ پس گوی‌های آتشین نشویل اسلام را نیز در بر می‌گیرند، اما دربارهٔ شناسایی این گوی‌های آتشین به‌عنوان سلاح‌های هسته‌ای چه باید گفت؟

پیام باید، بر پایهٔ شهادت‌های بسیار، اطلاق اسلام به‌منزلهٔ عامل مهاجم در آن حمله را حفظ کند. خطای تعیینِ زمان که نیازمند تصحیح است، در هر دو سال ۱۸۴۰ و ۱۸۴۴ ممتل است. دیگر زمان نباید جزئی از پیام نبوتی باشد، هرچند اعداد همچنان بخشی از آن به‌شمار می‌آیند. خطایی که بدفهمی قدس‌گاه نمایانگر آن بود نیز باید حل‌وفصل شود، اما پیش از آن‌که حل‌وفصل گردد و در پیام تصحیح‌شده ادغام شود، لازم است خطایی که به‌وسیلهٔ همان بدفهمی قدس‌گاه ممتل شده بود، شناسایی گردد. آن بدفهمی قدس‌گاه در هشدار ۱۸ ژوئیهٔ نشویل بر چه چیزی دلالت می‌کرد؟

من بر آنم که پاسخ‌ها در پرتو نوری یافت می‌شوند که از اواخر سال ۲۰۲۳ تا کنون پیوسته مهر از آن برداشته شده است. سه رشتهٔ موازی یازده‌فصلی که در کتاب‌های پیدایش، متی و مکاشفه از فصل یازدهم آغاز می‌شوند و تا فصل بیست‌ودوم امتداد می‌یابند، بیانگر تجدید میثاق خدا با یکصد و چهل و چهار هزار تن هستند. آیا با چنان رفتار کردن که گویی ندای او را نشنیده‌ایم، پیشنها رحمت او را رد می‌کنیم، یا به قوت انسانی خویش سر فرود می‌آوریم و اعلام می‌کنیم: «هر آنچه او فرمان دهد، انجام خواهیم داد»؟ یا آن‌که به روح‌القدس اجازه می‌دهیم شریعت خود را بر دل‌ها و اذهان ما بنگارد؟

پاسخ‌ها همچنین در بازگشایی سه آیه از فصل دوازدهم کتاب دانیال که زمان را به‌منزلهٔ پیام‌های فرشتهٔ اول، دوم و سوم عرضه می‌دارند، یافت می‌شوند. آن سه آیه همچنین، ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ را در آیهٔ هفتم، ۱۸ ژوئیهٔ ۲۰۲۰ را در آیهٔ دوازدهم، و آنگاه بازهٔ زمانی از ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبه و تا پایان مهلت فیض را در آیهٔ یازدهم بازنمایی می‌کنند. این سه حقیقت، در همان قطعه کتاب مقدس جای گرفته‌اند که در آن فرایند آزمون سه‌گانه‌ای که همواره هنگام گشوده شدن مهر یک نبوت رخ می‌دهد، تبیین شده است!

مسیح نه صرفاً مهر آزمون سه‌گانهٔ باب دوازدهم دانیال را گشود، بلکه آن آزمون‌ها را نیز چنین مشخص کرد: نخست آزمون بنیانی، سپس آزمون هیکل، و سپس آزمون تورنسل. او همچنین مشخص کرد که آزمون بنیانی در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ آغاز شد و بر آزمون بنیانی جنبش میلریتی مبتنی بود؛ چنان‌که ضد مسیح، به‌منزلهٔ نمادی که رؤیای بیرونی را برقرار می‌سازد، نمایانگر آن است.

سپس او «آزمون دوم»، یعنی «آزمون هیکل»، را - چنان‌که در باب دهم در رؤیای دانیال از مسیح در هیکل بازنموده شده است - شناسایی کرد. آن آزمون در حال حاضر در جریان است. مهرگشایی باب دوازدهم دانیال، که تاریخ‌های ۱۸ ژوئیهٔ ۲۰۲۰، ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ و نیز «قانون یکشنبه» را مکشوف می‌سازد، مشتمل بر رؤیای روم و رؤیای مسیح است. هر دو رؤیا در همان رؤیایی عرضه شده‌اند که مهرگشایی باب دوازدهم در آن آمده است. این سه باب یک رؤیا را تشکیل می‌دهند، و رؤیای مسیح در باب دهم همان آزمون هیکل است؛ رؤیای ضد مسیح در باب یازدهم «آزمون بنیاد» است؛ و نشانه‌های راه یک‌صد و چهل و چهار هزار در باب دوازدهم نمایانگر آزمون سوم و محکی تعیین‌کننده است، جایی که نادانان از حکیمان جدا می‌شوند، در حالی که بسیاری تطهیر شده، سفید گردانیده و آزموده می‌شوند.

آزمون هیکل، نور لایوان فصل بیست و سوم را آشکار ساخت؛ نوری که همان نور تابوت عهد بود، یعنی نور آلفای سبت روز هفتم و نور امگای سبت سال هفتم. نور سبت آلفا و سبت امگا، نور تجسد را مشخص می‌سازد. آن نور، خدا را که به منظور اعاده ترکیب الوهیت با انسانیت، جسم انسانی بر خود گرفت، مشخص می‌سازد؛ و این اعاده همان کاری است که مسیح در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آغاز کرد، کاری که او اکنون در داوری زندگان به انجام می‌رساند.

نور فصل بیست و سوم سفر لایوان، اعیاد بهاری آلفا را با اعیاد پاییزی امگا به هم پیوست تا خود تاریخ 31 دسامبر 2023 تا پایان مهلت فیض انسانی را پدید آورد. در این خط، آزمون بنیادی با فرارسیدن 31 دسامبر 2023 نشان‌گذاری شده است، و آزمون هیکل معین است که در 2025 آغاز می‌شود و تا محک قطعی عید شیپورها ادامه می‌یابد. ندای در بیابان که در ژوئیه 2023 آغاز شد، به وسیله عید فطیر نشان‌گذاری می‌شود که پنج روز پس از نشانه سه‌بخشی پایان یافت. سپس دوره سی‌روزه‌ای در پی آمد و پس از آن نشانه سه‌بخشی، و پس از آن پنج روز؛ و بدین‌سان سه گام انجیل جاودانی به تصویر کشیده می‌شود. نشانه سه‌بخشی آلفا که پنج روز در پی دارد، فرشته اول است؛ آن سی روز، فرشته دوم است؛ و نشانه سه‌بخشی امگا که پنج روز در پی دارد و تا قانون یکشنبه پنتیکاست امتداد می‌یابد، فرشته سوم است.

مسیح همچنین نور لایوان بیست و سه را گشود، و در زمان آزمون هیکل، تابوت عهد را بنا نهاد. پیام یا فرشته سبت روز هفتم در یک سوی تابوت، و فرشته سبت سال هفتم در سوی دیگر تابوت، نمایانگر کرویوان پوشاننده‌اند که به درون تابوت می‌نگرند. در تاریخ مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر، نور دوگانه آن دو فرشته—که سبت روز هفتم و آموزه تجسد را نمایندگی می‌کند—موضوعی است که تا ابد مورد مطالعه خواهد بود.

البته، اگر نتوانید «هفت زمان» را به منزله نماد سال یوپیل، اعلامیه رهایی‌بخشی روحانی ۱۸۶۳، دریابید، در آن صورت نخواهید دید که نبوت‌های آلفا و امگای ویلیام میلر همان «هفت زمان» و «دو هزار و سیصد روز» بودند. نادیدن اهمیت آن دو نبوت زمانی مرتبط، مانع از هرگونه تشخیص این امر می‌شود که ۱۷۹۸ نماینده «هفت زمان» است و ۱۸۴۴ نماینده «دو هزار و سیصد روز». با آن کمبود معرفت، عملاً ناممکن خواهد بود که دریافته شود که وقتی لایوان، فصل بیست و سوم، خط بر خط در کنار هم نهاده می‌شود، بدین‌گونه که بیست و دو آیه نخست آن، که اعیاد بهاری را بیان می‌کند، در کنار بیست و دو آیه پایانی اعیاد پاییزی نهاده می‌شود؛ آنگاه آن خط با سبت روز هفتم که ۱۸۴۴ نماینده آن است آغاز می‌شود، و سبتی که این خط چهل و چهار آیه‌ای را به پایان می‌رساند، سبت زمین است که ۱۷۹۸ نماینده آن است.

ناتوانی در دیدن رابطه آن دو سبت، به معنای ناتوانی در دیدن این حقیقت است که هفت زمان ۱۷۹۸ انسانیت است و دو هزار و سیصد روز ۱۸۴۴ الوهیت. با چنان کوری ژرفی، به نظر می‌رسد تقریباً ناممکن باشد که تشخیص داده شود نور آلفای سبت روز هفتم و نور امگای تعلیم تجسد، معرف کار مسیح در متحد ساختن الوهیت خویش با انسانیت بشر سقوط کرده است. کار مسیح در متحد ساختن الوهیت خویش با انسانیت ما، همان کار متحد ساختن ۱۷۹۸ با ۱۸۴۴ است، زیرا ۱۷۹۸ نمایانگر جسم انسانی است و ۱۸۴۴ نمایانگر الوهیت.

بشریت به صورت خدا آفریده شد و از سرشتی برتر و سرشتی فروتر برخوردار است. سرشت برتر انسان جسمانی و به بند گناه فروخته شده است. مسیح در لحظه توبه، ذهن خویش را به جان توبه کرده عطا می‌کند، زیرا توبه همان جایگاهی است که عادل‌شمردگی در آن واقع می‌شود، و عادل‌شمردگی شدن یعنی عادل گردانیده شدن. سرشت فروتر را نمی‌توان در یک آن بازخرید، و وعده انجیلی سرشت فروتر این است که در بازگشت مسیح، بدنی جلال‌یافته دریافت کنیم. سرشت برتر

ذهن است و سرشت فروتر جسد. سرشت برتر همان نبوت هفت زمان است که در روز کفاره در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به پایان رسید، هنگامی که شیپور هفتم و شیپور یوبیل هر دو آغاز به نواختن کردند. هفت زمان سرشت فروتر در سال ۱۷۹۸ پایان یافت، زیرا تا بازگشت ثانی مسیح قابل تجدید نیست.

هفت زمان ۱۷۹۸، هفت زمان ۱۸۴۴ و دو هزار و سیصد سال ۱۸۴۴ نمایانگر کار مسیح‌اند که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آغاز شد. آن کار عبارت بود از پیوستن الوهیت او با انسانیت؛ اما هنگامی که هیکل مرکب از انسانیت و الوهیت می‌بایست در ۱۸۴۴ یگانه شود، ۱۷۹۸ نباید در آن منظور می‌شد، زیرا آن نمایانگر صحن غیریهودان است.

آزمایش هیکل، پیمایش هیکل را نیز دربر می‌گیرد، و در ابتدای تاریخ گشایشی که در سال ۲۰۲۳ آغاز شد، گشوده شدن هفت رعد، تاریخ از نخستین نومیدی تا نومیدی بزرگ را به منزله تجلی نهایی و کامل تاریخی که هفت رعد آن را نمایندگی می‌کنند، معرفی کرد؛ و الهام می‌گوید که آن هفت رعد نماینده وقایعی‌اند که در تاریخ فرشته اول و دوم به وقوع پیوست، و نیز وقایع آینده‌ای که به ترتیب خویش مکشوف خواهند شد. تحقق کامل در چارچوب حقیقتی قرار گرفت که یکی از نخستین مکاشفات ۲۰۲۳ بود. نومیدی آغازین نماینده نومیدی امگا بود، و در میانه، اجتماع اردوگاهی اکستر قرار داشت، جایی که حکیمان و جاهلان بر پایه «روغن» پیام از یکدیگر جدا شدند.

هیکل میلری‌ها از نومیدی به نومیدی برپا گردید، و بدین‌سان دلالت می‌کند که هیکل یک‌صد و چهل و چهار هزار از ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ تا قانون یکشنبه قریب‌الوقوع، که مطابق مثل در آن در بسته می‌شود، همان‌گونه که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ چنین شد، برپا می‌گردد. تاریخی که به وسیله هفت رعد نمایانده شده، همان تاریخی است که در پرتو باب دوازدهم کتاب دانیال نمایانده شده است. روشنایی ۱۲۹۰ روز باب دوازدهم دانیال به‌طور مستقیم به دوره سی‌ساله‌ای پیوند می‌خورد که در آیه یازدهم نمایانده شده است. همچنین به آن سی سالی مرتبط است که به واسطه نخستین نماینده عهد با قومی برگزیده، و به واسطه پیامبری که برانگیخته شد تا تغییر رابطه عهدی اسرائیل جسمانی به اسرائیل روحانی را شناسایی کند، مشخص و ممتاز می‌شود. آن سی روز در میانه چارچوب باب بیست‌وسوم کتاب لویان، همان سی سال گام نخست عهد سه‌گانه ابراهیم با خداست. سی سال میان ۵۰۸ تا ۵۳۸ در آیه یازدهم، نمادی از کهنات یک‌صد و چهل و چهار هزار است.

سی روز در ساختار باب بیست‌وسوم کتاب لویان، جزئی از آن چهل روزی است که مسیح تا هنگام عروج، شاگردان خود را در رو تعلیم داد. عدد سی نماد کاهنانی است که در سی‌سالگی آغاز به خدمت می‌کردند. دوره سی‌ساله ۵۰۸ تا ۵۳۸ گذار روم بت‌پرست به روم پاپی را مشخص می‌کند و بدین‌سان گذار کهنات لاودیکیه‌ای یک‌صد و چهل و چهار هزار به کهنات فیلادلفیه‌ای یک‌صد و چهل و چهار هزار را نیز معین می‌سازد. این گذار در سه گام رخ می‌دهد: چنان‌که با سال ۵۰۸ نمایانده می‌شود، آنگاه که «دائمی» برداشته شد؛ سپس فرمان یوستینیانوس در ۵۳۳؛ و به دنبال آن قانون یکشنبه ۵۳۸؛ و بدین‌سان این گذار نهایی گردید.

آن سی سال نمایانگر دوره‌ای از ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبه است، که در آن قوم فیلادلفیایی مَهرشده خدا، چونان هیکل او، برکشیده خواهند شد تا همه جهان ایشان را ببینند. آنگاه جهان داوری خواهد کرد میان مسیح—که به وسیله قوم او نمایانده می‌شود، همان قومی که با مسیح در جاهای آسمانی نشست‌اند و از این‌رو در هیکل خدا هستند—و مرد گناه که در هیکل خدا نشسته و خود را خدا می‌نمایاند. به هنگام قانون یکشنبه که به زودی فرامی‌رسد، کارگران ساعت یازدهم، که همان جمعیت عظیم نیز هستند، با آزمونی بنیادین روبه‌رو خواهند شد: آیا سبت روز هفتم سبت خداست، یا روز خورشید سبت خداست؟

و اینک صحنه‌ای دیگر در برابر او گذشت. به او کار شیطان در واداشتن یهودیان به ردّ مسیح، در حالی که مدعی تکریم شریعت پدر او بودند، نشان داده شده بود. اینک جهان مسیحی را گرفتار فریبی همانند دید: مدعی پذیرش مسیح‌اند، حال آنکه شریعت خدا را رد می‌کنند. او فریاد دیوانه‌وار «از میان برداریدش!» «مصلوبش کنید، مصلوبش کنید!» را از کاهنان و مشایخ شنیده بود، و اکنون از معلمان مدعی مسیحیت فریاد «شریعت را از میان بردارید!» را می‌شنید. او دید که سبت زیر پا امال می‌شود و آیینی بدلی به جای آن برقرار می‌گردد. باز موسی از شگفتی و دهشت آکنده شد. چگونه ممکن بود آنان که به مسیح ایمان دارند، شریعتی را که خود او بر فراز آن کوه مقدس به صوت خویش بیان داشت، رد کنند؟ چگونه ممکن است هر که از خدا می‌ترسد، شریعتی را که بنیاد حکومت او در آسمان و زمین است، کنار نهد؟ با شادمانی موسی دید که شریعت خدا همچنان از سوی اندکی وفادار مورد تکریم و تعظیم است. او آخرین ستیز بزرگ قدرت‌های زمینی را برای نابود ساختن آنان که شریعت خدا را نگاه می‌دارند، مشاهده کرد. او به زمانی نظر افکند که خدا برخیزد تا برای گناهکاری ایشان ساکنان زمین را مجازات کند، و آنان که از نام او ترسیده‌اند، در روز خشم او پوشانیده و پنهان گردند. او عهد صلح خدا را با آنان که شریعت او را نگاه داشته‌اند شنید، آنگاه که او از مسکن مقدس خویش بانگ برمی‌آورد و آسمان‌ها و زمین به لرزه درمی‌آیند. او ظهور ثانی مسیح را در جلال دید؛ مردگان پارسا که به حیات جاودان برخیزانیده می‌شوند، و قدیسان زنده که بی‌آنکه مرگ را بچشند منتقل می‌گردند، و همگی با سرودهای شادمانی به شهر خدا عروج می‌کنند. آباء و انبیا، ۴۷۶.

جمعیت عظیم، که از امت‌ها بوده و کارگران یک‌ساعته‌اند، به آزمونی در باب بنیاد آزموده می‌شوند و بلافاصله پس از آن، آزمون هیکل فرا می‌رسد. آیا هیکل انسانی روم با «مرد گناه» آن صخره خواهد بود یا آن شن که ایمان خود را بر آن بنا می‌کنید؟ یا آن هیکل تجسد است، که در آن الوهیت و انسانیت با هم متحدند، که همان هیکل صد و چهل و چهار هزار است که پطرس آن را «خانه‌ای روحانی» می‌نامد؟ در آن دوره آزمون بنیاد و هیکل، جفا سنگ محک مرحله سوم را به انجام خواهد رساند و آنگاه دوره مهلت آزمایشی بشر مختوم خواهد شد.

شیر سبط یهودا اکنون در حال تکمیل کردن تاریخ پنهان آیه چهارم است و با سه نبوت دویست و پنجاه ساله کورش، نرون و ترامپ، نور افزون‌تری نیز آشکار ساخته است؛ و او این کار را دقیقاً در همان زمانی انجام داد که بر کار اعلان پیام تصحیح‌شده نشویل تأکید نهاده بود. خط نرون چارچوب استقرار نهایی تصویر وحش را در ایالات متحده و سپس در جهان فراهم می‌آورد. خط کورش، از سال ۴۵۷ پیش از میلاد، تاریخ میان رافیا و پانیوم را مشخص می‌سازد، یعنی تاریخ میان جنگ اوکراین و جنگ جهانی سوم، که آنگاه آغاز می‌شود که پانیوم در قانون یکشنبه‌ای که به زودی فرا می‌رسد با آکتیوم پیوند می‌خورد. خط ترامپ امسال در چهارم ژوئیه پایان می‌یابد.

نرون نماد جفا است؛ کلیسای سمیرنا تاریخی را مشخص می‌کند که تا دویست و پنجاه سال بعد ادامه می‌یابد، تا آن‌گاه که جفا در کلیسای پرگاموم و سازش پایان می‌پذیرد. این خط برپایی صورت را مشخص می‌کند و از این رو با آن تاریخی هم‌راستا است که در آن، صورت مسیح در هیکل او برپا می‌شود. «فرمان» نقطه آغاز است که به نخستین قانون یکشنبه می‌انجامد و در پی آن، «در بسته» جدایی میان شرق و غرب، عاقلان و جاهلان، گندم و علف هرزه، و نجات‌یافتگان یا هلاک‌شدگان قرار دارد. همان «فرمان» که دوره را آغاز می‌کند، همان «فرمان»ی است که همان دوره آزمون را برای جهان آغاز می‌کند. از این رو، «فرمان» اول و آخر است. هر نشانه راه خط هفده ساله نرون، نشان‌دهنده جفای فزاینده بحران قانون یکشنبه است که با یک «فرمان» آغاز می‌شود؛ چیزی در حکم یک «فرمان اجرایی» ریاست‌جمهوری.

فرامین سه‌گانه کوروش در ۴۵۷ پیش از میلاد، دوره هفده‌ساله‌ای را با سه نشانه راه در پایان آن مشخص می‌کنند؛ همان‌گونه که خط نرون و نیز خط دیگر کوروش چنین می‌کنند؛ دوره‌ای که با ورود فرشتگان اول، دوم و سوم، از ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴، به انجام رسید. سه گام کوروش عبارت‌اند از: نبرد رافیا، سپس ده سال تا گام دوم، و آنگاه هفت سال تا نبرد پانیوم. چون آغاز و انجام هر دو نبرد، از این رو امضای آلفا و امگا را بر خود دارند. دوره نخست ده‌ساله نمایانگر دوره آزمون است که در ۲۰۱۴ با جنگ اوکراین آغاز شد، و دوره دوم هفت سال بعد، در نبرد پانیوم، پایان می‌یابد.

پالمونی

پالمونی پیام زمان را برای میلریتی‌های تاریخ فرشتگان اول و دوم مهرگشایی کرد، و او پیام اعداد را در تاریخ یکصد و چهل و چهار هزار، که همان تاریخ فرشته سوم است، مهرگشایی می‌کند.

تاریخ‌های نمادین نبوی، مانند بیست‌ودو سال از ۱۷۷۶ تا ۱۷۹۸ که به وسیله قیام مکابیان نمایانده شده‌اند، سبب آغاز پادشاهی ششم و سبب خاتمه پادشاهی پنجم را مشخص می‌کنند. بیست‌ودومین رئیس‌جمهور، گروور کلیولند، آلفای رؤسای بود که رئیس‌جمهور امگا، یعنی دونالد ترامپ، را تمثیل می‌کنند، زیرا این دو تنها رؤسای جمهوری‌اند که دو دوره غیرپیاپی خدمت کرده‌اند. ترامپ بیست‌ودومین رئیس‌جمهور است که پیروزی دوره دوم را به دست می‌آورد، هنگامی که دیگر رؤسای را که در میانه دوره رئیس‌جمهوری پیشین زمام را به دست گرفتند، به همراه رؤسای که شخصاً برای خود دوره دوم را به دست آوردند، به شمار آوریم. پادشاهی ششم نبوت کتاب مقدس در سال ۱۷۹۸، پس از گذشت بیست‌ودو سال از اعلامیه استقلال، آغاز شد. ۱۷۹۸ تا ۲۰۲۶ به وسیله ۲۲ در تاریخ آلفا و ۲۲ در تاریخ امگا نمایانده می‌شود.

سه خط یازده‌بایی که از باب یازدهم آغاز می‌شوند و در باب بیست‌ودوم پایان می‌یابند. هر یک از این سه خط یازده‌بایی دارای نقطه میانی دقیقی است که با سه آیه نمایانده می‌شود. سفر پیدایش معین می‌کند که «ختنه» چه زمانی به‌عنوان نماد رابطه عهده با قومی برگزیده عطا شد. این نخستین بار بود که به قومی برگزیده نشانه‌ای داده شد که نمایانگر قوم عهده باشد، و در متی، سه آیه مرکزی، آن صخره‌ای را معرفی می‌کند که مسیح بر آن کلیسای خویش را بنا خواهد کرد. آن آیات مشخص می‌سازند که چه زمانی نام شمعون برجونا به پطرس تغییر یافت، که معادل یکصد و چهل و چهار هزار است. میانه آن خط در مکاشفه «عهد مرگ» را معرفی می‌کند؛ چنان‌که پاپیت را به‌عنوان سر هشتم، که از همان هفت است، معرفی می‌کند. به‌گمان شما دلالت‌های این امر چیست که باب یازدهم «آرزوهای اعصار» پیام یوحنا تعمیددهنده را معرفی می‌کند و باب بیست‌ودوم مرگ یوحنا را؟

میانه آن فصل‌ها شما را به صفحه ۱۶۸ می‌رساند، جایی که فصلی با عنوان «نیکودیموس» آغاز می‌شود. فصل یازدهم «تعمید» نام دارد و فصل بیست‌ودوم «حبس و مرگ یحیی» نام دارد. فصل یازدهم نماد مرگ، دفن و رستاخیز است؛ فصل هفدهم و نیکودیموس نیز چنین نمادی‌اند؛ و مرگ یحیی نیز چنین است.

این موارد را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.